

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنه الدائمه علی اعدائهم

اجمعین اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الرحیم.

عرض شد که دیشب که مواردی را متعرض شدیم راجع به این بحث سلسله تاریخی که ما در حدیث امامیه بود هم به لحاظ تاریخی، به لحاظ جغرافیایی که توضیحاتی شد، عرض کردیم یکی از مواردی که منشأ شده الآن متن، متن به معنای شامل سند هم بشود با مشکلات رو به رو شده، احادیثی است که ما از عامه نقل کردیم یا حتی گاهی زیدی‌ها یا ما از یدی‌ها، انصافش من در این کتاب تیسرالمطالب اگر نگاه بکنید تقریباً همان اوائلش زیاد هست عن سعد ابن عبدالله عن الصفار عن البرقی و عجیب این است که این احادیث الآن پیش ما موجود نیست نمی‌دانم چطور در اختیار ابوطالب بوده از کتاب‌هایی، این یعنی اصولاً روایات ما سنخ روایاتی که ما داریم و پیش عامه هست، غالباً از ائمه شیعه است، مثل روایتی که زهری دارد از علی ابن الحسین مثلاً که در بخاری هم هست، در بخاری از زهری از علی ابن الحسین هست، در بخاری حدیث امام باقر از جابر نیست در حج که مفصل‌ترین روایت کتب اهل سنت در حج همین است امام صادق از پدرشان از جابر که حجه الوداع را توضیح می‌دهد چطور در آمدی، حدود دو سه صفحه شاید باشد بخاری ندارد اما مسلم و دیگران دارند، خود بخاری نیاورده نه، ما این طور داریم و مقداری هم داریم که مثلاً ممکن است روات از عامه باشند از جعفر ابن محمد، این‌ها را هم ما در رجال پیدا کردیم مخصوصاً مرحوم شیخ طوسی عده‌ای را که در اصحاب امام صادق آورده بعد در کتب عامه پیدا شد، و احتمالاً اصلاً آن‌ها سنی باشند اصلاً شیعه هم نباشند، از همین روایتی که ایشان به اسم به اصطلاح روایتی از امام صادق به اصطلاح نقل می‌کند، علی ای حال یک مجموعه‌ای در این جهت وجود دارد یعنی یک مجموعه در این جهت، این حالا من ایشان گفت صحبت بکنیم این اگر بخواهیم من باید تطبیقات، من در این نسخه وسائل خودم عده‌ای از موارد را استخراج، یک‌جا نوشتم که من بیاورم الآن بخوانم اما عده‌اش را من خودم استخراج کردم، که روایاتی که الآن صدوق نقل می‌کند، در این تصحیح تراثنا الرجالی دارد یک مقدارش،

س: آقای نجار

ج: آقای نجاری، در این تصحیح تراثنا الرجالی ایشان می‌آورد حدیث را می‌آورد بعد می‌گوید بعد حدیث را بعینه از مصادر عامه، چون ظاهراً خدا رحمتش کند ایشان خیلی اهل علم و فن و تحقیق این جوری نبود اما تتبع زیادی داشت خیلی تتبع داشت انصافاً، قیافه‌اش نمی‌خورد دیده بودید شما، خیلی انصافاً حالا یاد از ایشان بشود، مظلوم هم واقع شد، این تصحیح تراثنا الرجالی حدود شش جلد است یکش را چاپ کرد، دیگر بعضی‌ها سر و صدا کردند جلو چاپ بقیه‌اش را گرفتند، شما فرمودید بنا چاپ بشود رفتیم آن‌جا منزلشان،

س: بلی این آقای، بعض دوستان و این‌ها به جایی نرسیده تا حالا کتاب‌هایشان

۱۳: ۳

شده ظاهراً یک دختر داشت فقط که آن، رفقاء رفتند سراغ کتاب‌ها تا حالا به جای نرسیده،

ج: فکر می‌کنم رفت بغداد، عراق بود همان‌جا فوت کرد؟

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲

جلسه: ۳۷

س: فوت شد

ج: گفتند هم خیلی آرایمر شدید گرفته بود، در خیابان می نشستند نمی دانست چه کار بکند؟ کجا برود؟ می رفتند پیدایش می کردند می بردند، نمی دانم حالا کتاب هایش این جاست نوشته هایش، شنیدم نوشته های خطی زیاد، خیلی به اسانید اهل سنت وارد شده بود، انصافاً خیلی، و خیلی هم از این جهت به اصطلاح همین متعارف علمی غربی ها یعنی به جایی که بگویند هذا السند یا متن فيه كذا، مثلاً از صدوق می آورد، من داریم تصحیح تراثنا، یادم رفت الآن یادم آمد، اگر یادم بود نگاه می کردم مواردش را برای این که این جا بخوانیم، می گویند روی الصدوق بعد ایشان همین حدیث را به اسانید متعدد از کتب سنی ها می آورد یعنی خود خواننده ملتفت می شود تحریف واقع شده یعنی احتیاج ندارد که ایشان تصریح بکند این یک روشی است دیگر، آن متن را می آورد متن و سند را بعد ایشان دو مرتبه از کتب اهل سنت روی فلان در فلان، روی فلان، متنی که می آورد با سند، با این سند و متن اشتباهاتش و تحریفاتش روشن می شود، یکی از مواردش هم تصادفاً یک موردی است حالا نگاه کنید، ابوزبیر بیاورید عن جابر در معجم آقای خویی، ابوزبیر عن جابر، به نظرم جلد بیست و یک باشد کلمه ابوزبیر عن جابر، علی ای حال این یک فصل مشبعی است یعنی است من بخوایم الآن در ذهنم، اگر مایل باشید فردا شب این کتاب را نگاه کنم از این کتاب برایتان مواردش را بخوانم و در ذهنم نبود، هرچه ذهنم فکر کردم دیدم که باید برگردیم به این نسخه های وسائل آنهایی که من تصحیحش کردم، دیگر دیدم حال من هم مساعد نبود نشد، اما این زیاد است یعنی صحبت یکی دو مورد نیست یک مواردی هم که آن ها از مصادر ما نقل می کنند اصلاً کلاً نه این که فقط از ائمه ما از مصادر ما نقل می کند و یک عده ای از ائمه ما نقل می کنند، عده ای هم ما از کتبشان نقل می کنیم، البته ایشان احتمال می دهم به نظرم یک جایی نوشته که مثلاً این نسخه مثلاً خصال یا نسخه امالی صحیح نیست من فکر می کنم نکته اش این نبوده، مرحوم صدوق رحمه الله علیه وقتی آدم نگاه می کند از مشایخ مشهور اهل سنت نقل نمی کند حالا یا اباء داشتند یا مناسب شان نبوده، مثلاً زمان ایشان بزرگان اهل سنت محدثین بزرگ ایشان نقل نمی کند، بیشتر می بیند مثلاً یک عده یک آخوندی آن جا بوده از سنی به اندازه اجازه اتصال پیدا بشود اتصالی، احتمالاً منشأ خطاً آن جا بوده یعنی آن نسخه ای که در اختیار ایشان قرار داشته، ابوزبیر عن جابر آوردی،

س: این روایتش در جامع الاحادیث را آوردم

ج: نه آقای خویی تعلیقی دارد،

س: در این معجم آقای خویی تعلیق دارد

ج: ها! معجم بیست و یک به نظرم، ابوالزبیر عن جابر، معجم آقای خویی بیاورید، خلاصه اش این است که این طوری که ایشان نقل کرده حالا در حافظه من هست، ایشان نوشتند ابوالزبیر درست نیست ابن الزبیر است و هو ابوالحسن علی ابن محمد ابن زبیر قرشی این ابوزبیر عن جابر را ایشان برداشتند تصحیحش کردند به ابن الزبیر عن جابر، همین طور است ببین؟ من از این تصحیح تراثنا الرجالی در ذهنم مانده، خودم به معجم آقای خویی مراجعه نکردم،

س: ابن الزبیر را بزن،

س: ابن زبیر عن چه؟ عمره ابن زبیر هست، در عمر ابن زبیر و عامر ابن زبیر

س: اصلاً بزن از زبیر عن جابر،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳

جلسه: ۳۷

ج: نه ابوزبیر عن جابر

س: نه برای این که بیاورد،

ج: ابوزبیر عن جابر نیست اصلاً؟

س: آقای خویی نه حتی با الف و لام و بی الف و لام،

ج: نه ابوالزبیر نه،

س: الزبیر اصلاً الزبیر خالی

ج: حالا جابر را بیاورید جابر تنها،

س: می دانی فاصله نمی گذارد، ابوالزبیر را با هم بدون فاصله بزن،

ج: یک عبارتی ایشان یادم رفته در کدام جلد معجم هست از معجم آقای خویی نوشته این ابوالزبیر صحیح نیست ثوابش ابن

الزبیر است، به نظرم چون باید در جلد،

س: تتر نیست لا به لای بحث ها

س: لا به لای بحث را دارم نگاه می کنم،

س: ها! لا به لای بحث ها

ج: نه به نظرم در جلد بیست و یک که عناوین کنی هست، یا بیست و دو که ابن است،

س: بلی

ج: بیاورید جلد بیست و یک، یا بیست و دو ابن الزبیر مثلاً عن جابر، جابر تنها یا جابر ابن عبدالله هم بیاورید،

س: عنوانی که دادند در بیست و سه، گفته ابن الزبیر روی عن جابر و روی عنه فلان تقدم بعنوان علی ابن محمد ابن زبیر، اما

نگفته این ابوالزبیر را تصحیح کرده به این،

ج: ایشان می گوید این در این روایت، حالا تقدم را می خواهید بیاورید روایت در، این باید کتب صدوق باشد شاید هم در

تهذیب باشد، چون ایشان بیشتر کتب اربعه را دارند، ایشان نوشته این علی ابن محمد ابن زبیر است،

س:

۸: ۴۱

به مناسبت متعرض شده

ج: بلی باید به تهذیب می خورد،

س: بلی

ج: در کتب اربعه آنی که روایت اهل سنت را می آورد تهذیب است کافی و فقیه خیلی کم می آورند اما تهذیب زیاد می آورد،

تهذیب هم در مباحثی که مثلاً فرض کنید در میراث و این ها و فضل ابن شاذان روایت دارد و رد بر می کند بر عامه و طلاق عدی

و این جور چیزهایی که مثلاً فضل دارد نقل می کند تهذیب عبارت فضل را می آورد به این جهت، روی عن که آقا؟ روی عنه که؟

باید قاعداً در تهذیب باشد بعید است از صدوق ایشان نقل بکند مگر استثناءً مثلاً

س: علی ابن محمد ابن زبیر روی عن احمد ابن عمر ابن کیسوه

ج: نه، عن جابر

س: و روی عنه احمد ابن عبدون، و روی عن علی ابن الحسن و روی عنه ابن عبدون

ج: این ابن الزبیر پیش ما قرشی است از بزرگان است و طریق معروف اصحاب ما یعنی ابتداءً بغدادی‌ها و بعد جای دیگر از کتب ابن فضال پسر، علی ابن حسن مراد ابن فضال پسر است، ابوالحسن علی ابن محمد ابن زبیر و کان علواً فی الوقت، این جزو علو اسناد داشت، مرحوم ابن عبدون در سال سه صد و چهل و هشت از ایشان حدیث نقل می‌کند و فیها مات، این هم خیلی علو اسناد است بالاخره چون مرحوم نجاشی و مرحوم شیخ هردو از ابن عبدون نقل می‌کند معلوم می‌شود ایشان مثلاً خودش هم اوائل جوانی‌اش بوده و در اواخر سن مرحوم ابن زبیر بوده، ابن زبیر توثیق رسمی ندارد، جز همین مشایخ اجازه و این‌ها و کان علواً فی الوقت هست که آقای خویی که استثناء نوشتند کان علواً یعنی در دوران جوانی بوده، ایشان می‌نویسد این را چندبار در بقیه‌اش هم آمده، ما در درس فقه از ایشان شنیده بودیم ایشان علواً می‌خواند یعنی در غلیان جوانی بود، در شدت جوانی، اشتباه است علو فی الوقت، یعنی علو اسناد داشت عمرش به اصطلاح، خب ایشان مثلاً از ابن فضال شاید فاصله‌اش با ابن فضال نزدیک هفتاد سال بود دیگر، یک چیزی هفتاد،

س: فی الوقت می‌سازد علواً فی الوقت،

ج: در آن زمان در آن تاریخ اگر کسی دنبال اسناد عالی بود به ایشان مراجعه می‌کرد وقت یعنی در این زمان، در زمان خودش اسناد عالی را از ایشان مطالبه می‌کردند عرض کردم این‌ها یک مقدارش هم به خاطر این بود که گاهی پدران‌شان از وجوه علم بودند از بزرگان بودند این بچه‌اش که یک ساله بود مثلاً می‌برد پیش یک پیر مرد نود ساله مشایخ بهش اجازه می‌داد، آن وقت چون اجازه صغار را اجازه می‌دادند قبول می‌کردند فقط حق تحدیث نداشت تا بالغ بشود بعد از بلوغ آن وقت مثلاً اگر خودش هم هشتاد سال می‌شد آن آقا هم پیر مرد هشتاد ساله بود این و لذا مثلاً علو در وقت، الآن شنیدم در عربستان نمی‌دانم شیخ عبدالله ربیعی است ربیع است این الآن اعلی اسناد به بخاری را ایشان دارد زنده است عکسی که من دیدم جوان هم هست نسبتاً خیلی پیر نیست شاید پنجاه شصت ساله باشد، ایشان الآن مثلاً مشهور شده که علو اسناد یعنی در زمان ما اعلی اسناد ایشان است، اعلی در به اصطلاح بخواهید نسبت به بخاری، علو اسناد، قلت واسطه ایشان است این رسمش بوده خیلی و خود همین تهذیب الکمال زیاد موارد دارد، لنا عالیاً بعد یک طریقی به قول خودش عالیاً از آن راوی نقل می‌کند معلوم می‌شود تا زمان ایشان هم مسأله اجازه حتی تا زمان ما الآن متعارف بوده آن وقت کسانی بودند که دنبال علو اسناد می‌رفتند مثل همین قرب الاسناد حمیری، قرب الاسناد و علو الاسناد یکی است یعنی واسطه کم بشود، عمده‌ای هم که ایشان دارد همین است مثلاً مرحوم حمیری که احتمالاً نزدیک سال سه صد باشد از فرض کنید از موسی ابن جعفر به دو واسطه، از عبدالله ابن حسن جده علی ابن جعفر، موسی ابن جعفر، این قرب اسناد داشته یا فرض کنید از امام صادق عن هارون ابن مسلم عن مصعبه این اسنادی، قرب اسنادی به هارون را مرحوم کلینی هم دارد، به اصطلاح ثلاثیات کلینی، که شاگرد ما چاپ کرده، ثلاثیات، علی ابن ابراهیم عن هارون عن مصعبه عن الصادق علیه السلام این به اصطلاح قرب اسناد کلینی است این قرب اسنادی که مرحوم ایشان علواً فی الوقف مراد این است علی ابن محمد زبیر قرشی و کان علواً فی الوقف، به تعبیری، بعد از احادیثی که جابر دارد، آخر آن تقدم مال جابرش را بخوان،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۵

جلسه: ۳۷

س: بعدش جابر نداشت،

س: خب چطور نوشته تقدم،

س: تقدم در علی گفت تقدم،

ج: در علی ابن محمد، ایشان کنیه اش ابوالحسن، ابالحسن علی ابن محمد ابن زبیر، شما

س: ببخشید،

۴۱: ۱۳

معجم جلد ۱۳ معجم مدخل شماره هشتاد و چهار، سی، علی ابن محمد ابن زبیر وقع بهذا ال

۵۵: ۱۳

فی اسناد کثیر من الروایات تبلغ ستۀ و ستین مورداً

ج: همه اش بیشترش از علی ابن حسن است ایشان، علی ابن حسن ابن فضال پسر و اشکال معروف که به کتاب هست این است دیگر ایشان از طریق ابن زبیر نقل می کند ابتدا می کند به اسم ابن فضال عرض کردم این هم یک فایده ابن فضال در کافی مراد پدر است حسن، این دوتا با همدیگر فرق می کند، مرحوم کلینی هر جا می گوید ابن فضال مرادش پدر است مرحوم شیخ می گوید ابن فضال مرادش پسر است، پدر حسن است، پسر علی است علی ابن حسن، آن وقت یک توضیحاتی من به یک مناسبتی از فهرست بود چه بود یک توضیحاتی که کتب علی ابن حسن پسر خیلی در قم جا نمی افتد کتب پدر بیشتر جا افتاده، و این روش و آنچه که ما الآن بیشتر از پسر داریم توسط شیخ است مثل همان بحثی که دیشب کردیم این انفرادهای شاخه ای است، جدیدی است حالا یادم رفت اسمش را دیشب ببرم به این مناسبت این شاخه جدید را مرحوم شیخ می زند ایشان زیاد به اسم ابن فضال شروع می کند یا علی ابن الحسن می گوید یا ابن الفضال، ابن الفضال

س: فضیل بود فرمودید دیگر، یکش هم فضیل بود

ج: فضیل نه شیخ نزده، فضیل چون

س: شیخ زیاد از فضیل نقل کرده و دیگران کم است

ج: نه چون فضیل مال طبقه اول اصحاب امام صادق است مثل زراره است دیگر از همان درخت را اگر بخواهیم تصور بکنیم آن اول درخت تنه اول درخت هستند این، فقط فضیل مال بصره است این ها مال کوفه، آن وقت این علی ابن حسن که می گوید که الآن بیشترش از علی ابن حسن است دیگر شاید،

س: بعد ایشان گفته که عمّن

۴۳: ۱۵

همه اش علی ابن حسن ابن فضال بعد هم اصلاً ایشان مدخل بعدی که زدند آخر مدخل گفتند اقول هو متحد مع مابعد در مدخل بعدی فرمودند که

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۶

جلسه: ۳۷

ج: ایشان زیاد دارند من به نظرم شاید همان لجنه نوشتند، باید بگویند من بعده، نه ما بعده، زیاد تکرار می‌شود، ما را در لغت عرب برای غیر عاقل به کار می‌برد، نیست این طور همین جلدی که جلوتان هست نگاه بکنید زیاد دارید، هو متحد مع ما بعده، به نظر من شاید توجه نشده مع من بعده باید بنویسند،

س: برای چه این جا گفته، مدخل بعدی گفتند علی ابن محمد ابن زبیر القرشی روی عن علی ابن حسن ابن فضال جمیع کتبه این جا اشاره کردند که خیلی اختصاص داشته باشد، و روی اکثر، اما بحث جابر نیست، در بعدی هم نیست این جا روی عنه،

ج: ابن عبدون، بیشتر ابن عبدون است از ایشان،

س: مروی عنه هیچ کدامش چیز نکرده جابر

ج: پس چطور جلد بیست را نوشته تقدم، جلد بیست را دو مرتبه بیاور ابن زبیر بود نه؟

س: این جا بود تقدم اسم لابد نه،

ج: مگر تقدم ترجمه‌اش مثلاً، بخوان آن جلد بیست و سه را بخوان دو مرتبه این را آقای خویی با گفتند این ابن زبیر عن جابر این مثلاً علی ابن محمد ابن زبیر است عرض کردم ایشان متوفای سه صد و چهار و هشت است، جابر ابن عبدالله انصاری هفتاد و هشتاد است، تصور نفرمودند، اصلاً تصور نفرمودند که اصلاً امکان ندارد چنین چیزی این مال نا آشنایی بودن است به اسامی، این شخصی است به نام ابوزبیر به نظرم محمد ابن،

س:

۳۳: ۱۷

بود

ج: نه خیلی

س: در جلد بیست و سه، مدخل پانزده هزار و صد و پنج، گفتند ابن زبیر روی عن جابر و روی عنه ابن جریج، ابن جریج هم نیست این جریج است، عبدالعزیز ابن جریج فقیه معروف مکه و ابن متوفای صد و بیست و شش است اصلاً ایشان چطور ربطش داشت به ابن زبیر و از مشاهیر اهل سنت است، یعنی آقای خویی متأسفانه، این ابوالزبیر محمد ابن مسلم بیاورید ابوالزبیر

س: تقدم بعنوان علی ابن محمد ابن

ج: تقدم با، اصلاً توجه نشده دقت می‌فرمایید حالا ابن جریج را خیلی غلط نوشتند اختصاص به ایشان ندارد،

س: ابن جریج همین

ج: بلی ابن جریج است که احتمالاً جرج باشد چون اصل پدرش مسیحی بوده ابن جریج است که فقیه معروف اهل مکه است و از شخصیت‌های خیلی معروفی که می‌گویند متعه را جایز می‌دانست ایشان است و تزوج سبعین امره متعه، همان ابن جریج است عبدالعزیز ابن جریج، و در روایات آمده که حضرت صادق به یکی از اصحاب فرمودند که برو به طرف ابن جریج آن راجع به متعه بحث دارد، می‌گوید رفتم نوشتم یک مقدارش را هم می‌گویند، فاملی علی من احکام متعه، یک مقدارش امام می‌فرمایند صدق، این حرف‌هایش درست است، این عبدالعزیز ابن جریج است ایشان از ابوالزبیر نقل می‌کند متوفای صد و ده است ابوزبیر،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۳۷

آن از جابر ابن، اصلاً روایات ابوالزبیر عن جابر در کتب اهل سنت محل بحث است که اتصال دارد یا اتصال ندارد؟ محمد ابن مسلم تدریس همچون چیز،

س: خود آن روایتی که ما داریم خود جامع الاحادیث از شیخ مفید در مسائل

۱۴: ۱۹

است آنجا گفتند که

ج: آقای خویی از کجا آدرس دادند، در جلد بیست خب این روایت را از کجا نوشتند،

س: کافی جزء شش کتاب الطلاق باب الفصل بین من طلق علی غیر سنه

ج: همین پس به کافی خورده، روایت کافی این ابوزبیر است ایشان حتماً ابن جریج حدیثی را از ابی الزبیر عن جابر نقل کرده

این هیچ ربطی به ابن الزبیر ما ندارد، اصلاً یعنی خب ببینید وقتی این اشکال به نظر من خیلی، یعنی واقعاً کسی که با مقدمات

س: فمن ذلک ماروی ابن جریج این جا باز ابن جریج چاپ کرده،

ج: که نوشته؟ این الآن کتاب فضل است،

س: نه کافی را عرض می کنم،

ج: کافی نمی نویسد، این حتماً مال، وسائل فضل ابن شاذان است عرض کردم یک مقداری این ها به، عنوان باب را بگو و قال

فضل ابن شاذان

س: باب

۱۰: ۲۰

بین من طلق علی غیر سنه و بین مطلقه

ج: بلی این یک رساله ای در حدود،

س: بلی رساله فضل است

ج: عرض کردم به تان حدود سه صفحه چهار صفحه است خیلی قشنگ است خیلی این قشنگ است حالا اگر بخواهیم بخوانیم

می خواهید از اولش، خیلی فوائد

س: خود فضل است

ج: بلی خود فضل است اصلاً آن وقت فضل مطلبی را نقل می کند در این جا عده اش را از اهل سنت می آورد من جمله این ابن،

به نظرم ابن جریج کتاب الآثار دارد همچو چیزی دارد، یکی ابن جریج عبدالعزیز ابن جریج می آورد این رساله می خواهی این، اگر

بشود این باب را از اولش بخوانید این خیلی فوائد تاریخی لطیفی دارد، آن فوائدش است که می گوید یک سنی به من گفت شما

می گوید اگر طلاق لعه نباشد باطل است چون خدا فرمود طلقوهن لعهن، از آن ور هم خدا گفته و لاتخرجهن من بیوتهن

این اگر زن را از خانه بیرون کرد ولو کار حرامی کرده لیکن عده اش تمام می شود مثلاً از خانه اش بیرون کرد پنج ما خب اگر

می گوید چون نهی آمده پس باید بگویند که این عده هم باطل است عده واقع نمی شود روشن شد طلقوهن لعهن این معنایش

این است که طلاق شما برای عدی باشد اگر رو عده نبود باطل است چرا طلاق را می گویند باطل است اما نمی گویند عده باطل

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۸

جلسه: ۳۷

است، حالا از خانه اش بیرون کرد، لاتخرجوهن و لایخرجن اگر از خانه بیرون رفت چرا شما در این جا نمی گوید که این جا عده باطل است باید برگرد خانه عده بگیرد، با این که این جا نهی دارد چرا در آن جا قائل می شوید این خیلی قشنگ است اول رساله بخوانید،

س: استدلالش هم خوب است

ج: ها! خوب است، این دقت کردید، این وقتی این شخص می گوید من فلانی را دیدم بهش گفتم یک جوابی داد که نفهمیدم چه گفت؟ گفت فلانی را دیدم گفت ما اصحاب حدیث هستیم حدیث ما این جور آمده این خیلی لطیف است آن وقت فضل در این جا وارد این بحث می شود بحث اجتماع امر و نهی، نهی در عبادت را مطرح می کند،

س: اولین بار طرح این مسأله این جا باشد

ج: طرح این دو سه صفحه نوشته خیلی قشنگ است انصافاً و این دوتا را جدا می کند که فرق است بین نهی در عبادات و بین یا معاملات و بین مسأله به اصطلاح مسأله اجتماع امر و نهی، اصلاً فرق این دوتا با همدیگر، نه در عبادت مقتضی فساد است، اما اجتماع امر و نهی را قبول می کند یعنی اجتماع می آید اگر این دوتا باشد یعنی هم امر باشد هم نهی آن جا عمل باطل نمی شود ایشان از این راه وارد می شود مثلاً مرحوم سیدمرتضی دویست سال بعد از فضل تقریباً ایشان این دوتا را یکباب قرار داده ما الآن در حوزه ها چون کفایه هم هست، آقای خویی، آقای حکیم همه شان نوشتند دیگر، دو بابش کردند، بحث اجتماع را با بحث نهی، مرحوم فضل از اول، ایشان متوفای دویست و شصت است از زمان،

س:

۲۳: ۱۸

کردند در اولش هم کل زحمت کشیدند که این چه ارتباطی

ج: آها! دقت کردید این را مرحوم فضل دارد، خیلی عجیب است هزار و دویست سالی قبل انصافاً خیلی قشنگ نوشته آن وقت آن جا می گوید و ایضاً روی ابن جریر عن ابی الزبیر عن جابر این حدیث اهل سنت است اصلاً ربطی به ابن زبیر ما ندارد اصلاً، فضل متوفای دویست و شصت است اصلاً ربطی به ابن زبیری که سه صد و چهل و هشت است ربطی به آن، این سرش چه بود؟ چون آقای خویی آشنا نبود با اصطلاح اهل سنت

پس: بالاخره این روی عن ابی الزبیر بالاخره کدام ابی الزبیر است؟

ج: همان که شاگرد جابر، جابر ابن عبدالله انصاری، ابن جریر همان فقیه، فقیه مکه است دیگر اصلاً ربطی به علی ابن محمد ابن زبیر قرشی ندارد،

س: که قرن چهارم است

ج: چهارم است، سه صد و چهل و هشت، اصلاً هیچ ربطی به او ندارد،

س: ابن جریر را حالا آن عهد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۳۷

ج: صد و بیست و شش زمان امام صادق، اصلاً امام صادق گفت برو پیش ابن جریج راجع به متعه ایشان صحبت می کند نوشته بنویس آور پیش امام فرمود صدق، این مطلبش درست است، هست در روایتی همین در وسائل هم هست، حالا شما ابوزبیر را بیاورید محمد ابن مسلم تدرس به نظرم تدمر، تدرس،

س: کافی نخوانم روایتش را پس

ج: نه دیگر

س: این دفعه دیگر

۲۴: ۴۵

ابی زبیر

ج: معلوم شد آن عنوانی که آقای خویی زده در جلد بیست و سه این باطل است
س:

۲۴: ۵۴

مسلم را می خواهید

ج: نه روایت چیز را می خواهی بیاور، از تهذیب الکمال شرح حال ابوالزبیر محمد ابن مسلم را،
س: تهذیب چیز است،

ج: روایت هست یعنی روایت ابوالزبیر عن جابر هست پیش اهل سنت مسلم نقل کرده یا بخاری؟ الآن در ذهنم نیست می دانم در اهل سنت از سابق آن چهل و خرده ای سال قبل آخر نجف بودیم این مناقشات اهل سنت را دیدم یکی از اسانیدی است که محل بحث آن هاست مثل بحثی که ما روی سند ابن فضال داریم به خاطر ابن زبیر، ما هم داریم همین بحث را که آیا سند درست است یا نه؟ آنها روی ابوالزبیر بحث دارند، حالا می خواهی بیاور تهذیب الکمال

س: در مسند احمد

ج: عن جابر

س: الآن عن جابر عن عمر

۲۵: ۳۳

شش است، هفت هشت، زیاد است

ج: و یک نکته دیگر هم حالا گفتند انصافاً در مسند احمد دیدم مقدار زیادی از مسند جابر خوب است احادیثش قشنگ است انصافاً انصافاً بینی و بین الله این احادیث را قشنگ آوردند از جابرش را قشنگ آمده، به نظر من حتی از مسند عبدالله ابن عباس هم قشنگ تر است،

س: هم

ج: خیلی

س: خیلی زیاد دارد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

صفحه ۱۰

جلسه: ۳۷

ج: نه زیاد دارد،

س: پس احادیثش زیاد است ابی الزبیر عن جابر

ج: متعارف است اصلاً پیش شان،

س: در مسند عمر در مسند عبدالله ابن عمر بود، در مسند ابی سعید خدری بود مسند خودش هم که هست مسند خود جابر

هم که هست

ج: خیلی، زیاد دارد عن جابر

س: رساله قبل از مسند خود، در خود مسند جابر هم ابی الزبیر در خیلی

ج: ابوالزبیر محمد ابن مسلم تدرس، تدمر همچو اسمی

س: اصلاً یک جزء نوشتند احادیث ابی الزبیر

ج: عن جابر

س: عن بلی عن جابر

ج: اصلاً این عرض کردم

س: بخاری هم عملاً سه تا

ج: خیال می کردم بخاری نداشته باشد،

س: چهار، پنج، شش تا نمی دانم زیاد است در بخاری هم زیاد است

س: یعنی اصل بر این بوده از جابر نقل کند

ج: بلی معروف است دیگر این متوفای صد و ده است عرض کردم، اصلاً تهذیب الکمال را بیاور شما

س: الآن می آورم، فقط تعدادی که

ج: نه این اصلاً اصلاً مطلب، یعنی الآن معلوم شد که اصلاً این احتمالی که ایشان دادند اقول ایشان خیلی در فنش خیلی دور

از، این چه شده؟ حالا اشکال بر ایشان وارد نیست چون ایشان در ذهنش نبوده که یک ابوالزبیر عن جابر وجود دارد، ذهن ایشان

همه با ابن الزبیر علی ابن محمد ابن زبیر ذهن با او مشوش است حالا این دوتا با همدیگر چقدر تفاوت زمانی دارد اصلاً امکان

ندارد چنین چیزی دقت می فرمایید اینی که من عرض کردم چون این مثال در ذهنم بود می خواهم، محمد ابن مسلم تدرس است

تدمر است همچو

س: محمد ابن مسلم مکی معروف است

ج: نه یک چیز دیگر هم دارد جدش، محمد ابن مسلم ابن تدرس، تدمر همچو اسمی دارد

س: اگر باشد تدمر، تدرس است

ج: تدرس است می گویم یک چیزی دارد حالا

س: زبیر مکی محمد ابن مسلم تدرس مولی حکیم ابن حزام

ج: حکیم ابن حزام

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۱

جلسه: ۳۷

س: این جا دارد حزام

ج: اشتباه است

س: باید حتماً

ج: نه حکیم است پسر دایی حضرت خدیجه است دیگر پولدار معروف مکه آن است اصلاً این شعر هم مال همان است دیگر راجع به آن است فما رجعت بخائبه رکابو، اذا کان حکیم ابن حزام منتهاه، این اصلاً معروف بود در پولداری جزو مثل حضرت خدیجه جزو پولدارهای بسیار معروف مکه است،

س: مولا

ج: حکیم ابن حزام،

س: وسطی قرشی از تابعین کثیر الحدیث تابعین چون شاگرد عمده اش همین جابر است، آن وقت یک جزئی دارد به نظرم اشکالشان در این که آیا این نوشته از او نوشته یا نه؟ سماع دارد یا ندارد؟ به نظرم یک اشکال معروفی دارند احادیث ابوالزبیر و لذا آنجایی که سماع می گوید قبول می کنند یک اشکالی دارد در حدیثش عن جابر یعنی کسی که با احادیث اهل سنت اجمالاً آشنا باشد می داند این سند یک سندی،

س: تدلیس دارد بلی

ج: بلی

س: شبهه تدلیس دارد

ج: بلی شبهه تدلیس دارد، می گویند

س: یدلس

ج: بلی آقا

س: یدلس

ج: بلی و لذا هم اگر بخاری نقل بکند می گوید سمعت اگر گفت سمعت جابر قبول می کنند عن جابر قبول نمی کنند عن جابر قبول نمی کند دقت فرمودید وقتی در کسی شبهه تدلیس بود اصطلاحاً در اهل سنت آقایون را من دیدم بعضی از این آقایون مشاهر نوشتند این آقا مدلس بوده یعنی دروغگو یعنی کذاب بوده، ملتفت نشده تدلیس دروغ نیست، تدلیس،

۲۹:۸

ماشت که ما الآن می گوییم آن بازیگری است مثلاً فریب کاری است، تدلیس یعنی، این تدلیس در اصطلاح محدثین در سایه راه رفتن است مرادشان دلس یعنی تاریکی، در تاریکی، مثلاً من نقل می کنم می گویم آقای خویی این طور فرمود شما خیال می کنید من چون هم عصر آقای خویی بودم از ایشان نقل، از من می گویند خودت شنیدی می گویم نه من از آقای مثلاً فلان شنیدم از آقای خویی، این را می گویند و لذا افرادی که مدلس اند تعبیرشان این است: صرّح بالسماع فزال شبهة التدلیس یعنی اگر گفت سمعت جابر قبول می کنیم اگر گفت عن جابر قبول نمی کنیم شبهه تدلیس، این آقایون ما چون با اصطلاح آشنا نیستند خیال می کنند یدلس

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

صفحه ۱۲

جلسه: ۳۷

یعنی دروغ می گوید خب نمی شود بخاری از این دروغ گفت یا نه؟ تدلیس یعنی این، ممکن است از جابر نقل بکند اما در واقع از او نبوده به واسطه بوده اما اسم واسطه را نبرده اما واسطه هم ثقه بوده نه این که حالا از یک کذابی نقل کرده،
س: این داستان را مشککش اصلاً نوشته، سعید ابن ابی مریم عن الیث ابن سعد قدمت مکه فحُثَّ ابوالزبیر فدفع الی کتابین
ج: ببینید نوشته

س: فانقلبت بهما ثم قلت فی نفسہ

ج: انقلبت برگشتم یعنی کتاب را گرفتم در آمدم از مکه بهما

س: لو عاودته فسلّته هل سمع هذا کله من جابر فقال منه ما سمعت و منه ما حدثت عنه، یا منه حدثت عن

ج: نه حدثت عنه به من گفتند،

س: فقلت له اعلم لی،

ج: اعلم یعنی علامت بگذار چون الآن رسم نیست، اعلم علی احادیث یعنی رو حدیث، ما حالا مثلاً خط قرمز می گذاریم این علامت، یک علامت بگذار که این ها سماع است اینها مثلاً غیر سماع است از آن نیست این شبهه جابر این است عرض می کنم اصلاً این بحثی دارد در اهل سنت ابوزبیر اصلاً محل بحث است بلی بفرمایید،
س: بعد می گوید فاعلم در آن که گفته، این در تهذیب الکمال در خود چیز بود،

ج: محمد ابن مسلم تدرس المکیه،

س: فقط در آن یک چیزی دارد، فی اسنادہ الی چیز تدلیس که احتمالاً همین است اشاره به همین است،

ج: بلی این معروف است عرض کردم یک بحثی است اصلاً در بین اهل سنت ابوالزبیر عن جابر بحثی که در کتب ما معروف است ابن الزبیر عن فضال پسر، آنی که پیش ما هست این است روشن شد، یعنی سند شیخ ابن عبدون از ابن الزبیر عن ابن فضال پسر، این درس بحث کردیم، ما یک بحث داریم آن ها یک بحث دارند، اصلاً ربطی هم بهم کلاً نداریم،
س: ان البقر تشابه

ج: علی ای حال، نه می خواستم مثال بزنم که گاهی یک شخص بزرگ، عرض کردم من خدای نکرده نمی خواهم ولی بعضی ها هستند خیلی بی ادب اند تند می شوند که این اشتباهی به این واضحی، لیکن این مال آشنا نبودن با به اصطلاح رجال است یعنی منشأ اشتباه

س: می اندازد گردن همان مستنسخ ها،

ج: مستنسخ ها، ملتفت شدید چه می خواهم بگویم، تصادفاً اقول دارد به نظرم مال خود آقای خویی است

س: دوتا چیز لطیفی این جا دارد، دوتا تعبیر دیگر هم که دارد یکی این که و بلغنی این در تهذیب التهذیب آمده و بلغنی عن یحیی ابن، از ابن سعد نقل کرده که گفته بلغنی عن یحیی ابن معین انه قال استحلف الشیبه ابوالزبیر بین الرکن و المقام انک سمعت هذه الاحادیث من جابر، فقال الله انی سمعتها من جابر یقول ثلاثه،

ج: معلوم می شود شبیه یا چیز

س: شبیه نوشته، شعبه ننوشته

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۳

جلسه: ۳۷

ج: شعبه باید باشد

س: باید شعبه باشد

ج: شعبه

س: چون قبلش می گوید ترکه لشی زعم انه رآه فعلو فی معاملته که می گوید بعضی ها کم و زیاد کرده بود،

ج: شعبه چون عرض کردم اولین کسی است در اهل سنت که بحث رجال را شروع می کند،

س: خب ابن معین را نسائی و این ها توثیق کردند

ج: نه توثیق کردند لیکن می گوید شعبه بهش گفتم در حجر، استحلفه یعنی قسمش داد،

س: بلی دیگر

ج: قسم بخور که تو خودت شنیدی، این معلوم شد اتهام چیست؟ اتهام ایشان در این که از جابر شنیده یا برایش نقل شده

شبهه تدلیس،

س: یک جرحی هم برای ایشان دارد که حاجی آقا فرمود جزء الفاظ جدید جرح باشد می گوید و قال ابن عیینه کان ابوالزبیر

عندنا بمنزلة خبز الشعیر اذا لم نجد عمرو ابن دینار می گوید جو بوده

ج: اصطلاحاً یعنی جو بود پیش آن، علی ای حال روشن شد یعنی به نظر من دیگر کامل،

س:

۴۱: ۳۳

در خیابان کفشی بود

س: جرح جدیدی است

ج: به نظر من، خود شعبه نمی دانم چرا بد عبارت هست؟ خود شعبه این در ابان دارد، در میزان الاعتدال در باره ابان، لان اشرب

من بول حمار احبّ الیّ من ان اروی عن ابان، همین هم مال شعبه است این اولین شخصی است از علمای، که این تقریباً معاصر

امام کاظم است صد و شصت و یک است به نظرم وفاتش، از سال های صد و سی و چهل دیگر بحث های اهل سنت در توثیق و

این ها شروع می شود ابتدایش ایشان است از زمان امام صادق تا آن وقت اصلاً بحث های رجالی نبود، از نیمه های قرن دوم این

بحث های رجالی شروع می شود که ابتدا، و لذا هم شعبه می گوید بهش گفتم می گوید نه، سه مرتبه قسم خورد که من خودم شنیدم

فحلف الله الله الله سه مرتبه لیکن این روشن شد اجمالاً برایتان، حالا من چون سابق دیده بودم بحث های ایشان را دیده بودم معلوم

شد که این یک بحث خاصی است روشن، این کلام را هم فضل ابن شاذان از ابن جریج عن ابی الزبیر عن جابر آورده، اصطلاحاً

ما می گوئیم احادیث جدلی یُحتج علیهم نه یُحتج بها، آقای خویی ملتفت نشده در کافی چه بوده؟ خیال کردند در کافی یک

حدیث، اصلاً کافی از ابن زبیر هم نقل نمی کند، چون خود کلینی متوفای سه صد و بیست و نه است ابن زبیر صد و چهل و هشت

است، اصلاً کافی کلاً از ابن زبیر نقل نمی کند نه ابوالزبیر دقت توجه نفرمودند ایشان، اگر ایشان حواسشان بوده که فضل نوشته

فضل هم اصلاً دویست سال، تقریباً صد و هشتاد سال قبل از ابن زبیر مرده فوت کرده، فوتش صد و ده دوازده سال قبل از ابن

زبیر است توجه نشده به مطلب، علی ای حال عرض کردم اگر احادیث این ها در کتاب ما هست یک مقدارش مال فضل است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷ - ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

صفحه ۱۴

جلسه: ۳۷

.....

للاحتجاج علیهم، لا للاحتجاج بها، برهانی نیست جدلی است، دقت فرمودید و ایضا روی عبدالعزیز ابن جریج عن ابی الزبیر عن جابر حالا در کافی اشتباه چاپ شده باشد عن ابن الزبیر عن جابر آقای خویی هم در ذهنش چون در ابن الزبیر بوده علی ابن محمد بوده فرمودند ایشان آن آقا است، دیگر من هم خسته شدم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.